خراسان رضوی

صفحه آخر

پنج شنبه
۵ اردیبهشت ۱۳۹۸
۱۹ شعبان ۱۴۴۰
۸ صفحه/شماره ۴۱۱۲

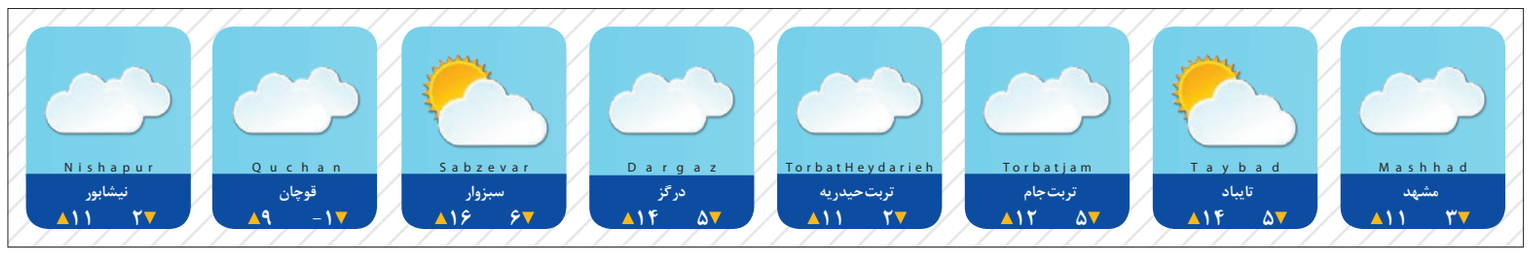

روزنامه خراسان رضوی:
رتبه یک نشریات استانی

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیرمسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: سیدعلی علوی

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید صادقی
صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۳۷۶۳۴۰۰۰-۰۵۱

نمابر دبیرخانه: ۰۵۱۳۷۶۲۴۳۹۵
پذیرش آگهی و اشتراک: ۰۵۱۳۷۰۱۰
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

چاپ مشهد: شهر چاپ خراسان
روابط عمومی: ۰۵۱۳۷۰۰۹۱۱۱
نمابر تحریریه: ۰۵۱۳۷۶۲۶۵۰۱

حکمت روز

امام علی (ع)

بنده به سبب بی صبری، خودش را از روزی حلال محروم می کند و بیشتر از روزی مقدّر هم نصیب اش نمی شود.
شرح نهج البلاغه (ابن ابی الحدید) ج۳، ص ۱۶۰

مناجات

علامه حسن زاده آملی

الهی، تا کنون به امیدواری سر به بالا می داشتم و خدا خدا می کردم، اکنون به شرمساری سر به زیر افکندم که چرا چون و چرا می کردم.
الهی، اعیان تر از من کیست که با تو همنشین ام.
الهی، خوشا به حال کسانی که لذت جسمانی شان عقلانی شد!
الهی، از تو شرمنده ام که بندگی نکردم و از خود شرمنده ام که زندگی نکردم و از مردم شرمنده ام که اثر وجودی ام برای ایشان چه بود.

با شاعران

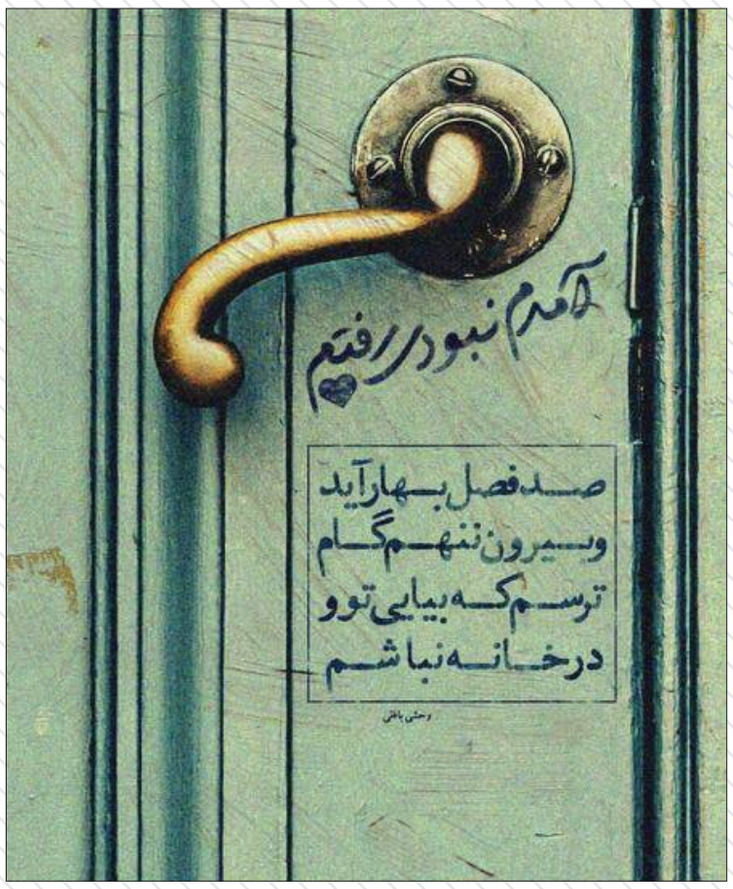

خراسان به روایت خراسان

۵ اردیبهشت ۱۳۵۳

گیاه بنک دیوانه، ۱۸ نفر را مجنون کرد

۴۵ سال پیش در چنین روزی، روزنامه «خراسان» نوشت:
ظهر روز گذشته پس از تعطیل شدن دبستان قریه نخودک واقع در چهار کیلومتری مشهد، بچه ها دسته دسته از مدرسه خارج شده و به طرف خانه هایشان به راه افتادند. در بین راه در صحرا دو سه تن از بچه ها چشم شان به گیاهی که بی شباهت به کاهو نبود افتاد و چند بوته از آن را از زمین چیدند و خوردند. سایر کودکان نیز به تقلید از دوستان خود شروع به درو کردن گیاه مزبور و خوردن آن کردند. کودکان مزبور که تعدادشان ۱۸ نفر بود، چند لحظه پس از خوردن این گیاه دچار جنون شده و با حرکات غیرطبیعی به جست و خیز مشغول شدند. عابرینی که از آن محل عبور می کردند، با مشاهده این صحنه جریان را به والدین اطفال اعلام کردند و معلوم شد، گیاهی که کودکان خورده اند، گیاه بنک دیوانه می باشد که اصطلاح علمی آن بذر البنج است. گیاه بذر البنج گیاهی است که در فصل بهار در اطراف مشهد می روید و مصرف آن به انسان حالت دیوانگی موقت می دهد که با معالجه فوری برطرف خواهد شد. این کودکان به وسیله والدین شان یکی پس از دیگری به وسیله اتومبیل به شهر منتقل شدند و با حالتی وخیم به بیمارستان سوانح انتقال یافتند و در بخش مسمومین بستری شدند.

نمای تاریخی

یک قاب تاریخی از رواق های حرم رضوی

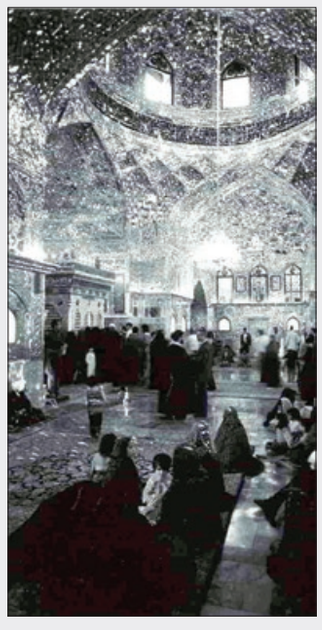

حرف توی حرف

ملیحه رفیع طلب

گفت و گو با «حمید ماهی صفت»

جوک را اول باید پخت، بعد گفت

طلب حلالیت از چهره سیاسی معروف تا اجرایی که یک زندانی را آزاد کرد!

«تا به حال چه در رسانه و چه از طرف مردم، با لقب ها و نام های زیادی خطاب شده ام. در اوایل فعالیت ام به من «مستربین ایران» می گفتند. همان روزها با این عنوان مخالفت کردم. دلیل اش هم مشخص است، بنده روی وطنم تعصب دارم. دلیلی ندارد نام کمدین دیگری را به من بچسبانند. بعد از آن در برخی از شهرستان هایی که اجرا داشتم، لقب «بمب خنده» را در کنار اسم ام دیدم اما در مجموع دوست دارم من را «حمید» صدا کنند.»
این ها بخشی از صحبت های «حمید ماهی صفت» ۶۰ ساله است که تاکید دارد تنها جوکر ایران است و کسانی که مانند او کمدین کار می کنند، ابتکار زیادی را برای خنداندن مردم به خرج نمی دهند و از کارهای او تقلید می کنند. این کمدین مطرح که تا به حال اجراهای زیادی ارائه داده و از محبوبیت خاص خودش برخوردار است، به صراحت بیان می کند: بابت برخی اجراها تا ۲۵ میلیون تومان هم دستمزد دریافت می کنم اما برخی اجراهای خیریه ام به صورت رایگان انجام می شود.
با «حمید ماهی صفت» که مصاحبه اش پُر است از شوخی های بامزه، درباره حرفه سختی که نتیجه اش لبخندهای شیرین بر لب مردم است، به گفت و گو نشستیم:

تقلید صدا و قدردانی مرحوم هاشمی رفسنجانی

در ابتدای صحبت، نظر ماهی صفت را درباره «استندآپ کمدی» در کشورمان و این که تا چه اندازه این شاخه از طنز جای خود را در جامعه ایرانی باز کرده، می پرسیم. وی بر این باور است که صدا و سیما آن طور که باید و شاید به ترویج این هنر نپرداخته و بیان می کند: شاید دلیل اش همان چهارچوب های خاص و خط قرمزهای پررنگ رسانه ملی است که حضور کمدین ها و اجراهای شان را با محدودیت هایی مواجه می کند. البته گروهی از فعالان این حوزه نیز به صورت آزاد فعالیت می کنند که بعضا یک سری قواعد اخلاقی و کلامی را رعایت نمی کنند و ماهیت استندآپ کمدی را زیر سوال می برند و واکنش های منفی در میان افکار عمومی ایجاد می کنند.
ماهی صفت در اجراهای فراوانی که داشته، به دفعات سر شوخی را با مسئولان و چهره های سرشناس باز کرده است؛ از سیاسیون بگیرید تا هنرمندان و ورزشکاران. می خواهیم بدانیم تا امروز این کار برای او اسباب دردسر را فراهم نکرده است، کمی فکر می کند و جواب می دهد: در بحث تقلید صدا، بنده چون علاقه زیادی به مرحوم آقای هاشمی رفسنجانی داشتم، صدای وی را تقلید می کردم و سه ماه قبل از فوت ایشان، نزد او رفتم و از علاقه قلبی ام گفتم و این که حس کمدی ام باعث شده تا صدایش را روی صحنه تقلید کنم که پاسخ ایشان برایم ارزشمند بود. او گفت که تقلید صدایش را شنیده و ایرادی در این کار نمی بیند اما گلایه داشت که برخی هستند که با تقلید صدای او حرف های ناشایست می زنند. خلاصه خیالش را راحت کردم که من از آن جنس نیستم و بابت همان حد و اندازه ساده و معمولی هم حلالیت طلبیدم. اما درباره تقلید صداهای خوانندگان خانم باید بگویم که شاید ۲۰ سال پیش حساسیت هایی وجود داشت اما حالا رفع شده است.

به یک سری خط قرمزها پایبندم

این کمدین در ادامه، از منوچهر نوذری یادی می کند و می گوید: اوایل دهه ۷۰ ملاقاتی با مرحوم منوچهر نوذری داشتم. او در آن دیدار جمله ای را خطاب به من بیان کرد که آن را همه این سال ها آویزه گوشم کرده ام؛ «جُک را اول باید پخت، بعد گفت». ۹۰ درصد مطالبی که روی صحنه می گویم، با مضامین مشابهی هم در بین مردم و هم در فضای مجازی بیان می شود. حالا این که چطور مردم با شنیدن این مطالب از دهان ماهی صفت می خندند، به قشنگ تعریف کردن آن و نوع بیانش مربوط می شود و همین من را از بقیه متمایز کرده است. ابتدا به ویرایش جملات طنز می پردازم و مسائل مختلفی را کنار هم می گذارم و در عین حال به یک سری خط قرمزها پایبندم.

علاقه زیادی به ادابازی داشتم

وی تاکید می کند: خنداندن مردم کار مشکلی است اما این را که در تمام این سال ها توانسته ام کام ملتی را شیرین کنم، ابتدا لطف خدا می دانم و بعد نیاز جامعه به شادی.
ماهی صفت در ادامه از اولین باری می گوید که حس کرد می تواند اطرافیانش را بخنداند: «از همان دوران کودکی علاقه زیادی به ادابازی داشتم و اغلب این اداها رفتاری و گفتاری بود و اطرافیانم را سرذوق می آورد. کار جالب دیگرم این بود که لطیفه ها را از مجلات جمع آوری می کردم و در دفتری که داشتم و نامش را «لطیفه» گذاشته بودم، می نوشتم. بعدها، در دوران راهنمایی به تئاتر کمدی علاقه پیدا کردم.»
ماهی صفت در بخشی از صحبت هایش به سخت ترین اجرایی که داشته اشاره می کند و می گوید: در بهمن ماه ۸۳ پدرم فوت کرد. اتفاقا در همان روز سه اجرا داشتم اما چون خوش قولی برایم مهم است برنامه هایم را بدون کوچک ترین خللی اجرا کردم.

دستمزد ۲۵ میلیونی آقای کمدین

حرف به سمت و سوی پیشنهاد بازیگری می رود که ماهی صفت تعریف می کند: در سال ۸۰ در یک نشست خصوصی و دوستانه در تورنتوی کانادا، مسعود کیمیایی کارگردان سینما، نصیحتی به من کرد؛ گفت از حرفه ای که هم اکنون به آن مشغول هستی، خارج نشو. بعدها که شهرتم بیشتر شد، از سینما، تئاتر و حتی از طرف تهیه کنندگان تلویزیون پیشنهاد بازی داشتم اما همه را رد کردم و این موضوع از قضا یک خروجی خوب برایم داشت و آن این که تا امروز، تنها جوکر ایران هستم. فعالان این عرصه اکنون یا خاطره تعریف می کنند یا تقلید صدا اما جوکر نداریم.
این کمدین درباره دستمزدهای اجراهایش هم برایمان می گوید: دستمزدها معمولا متفاوت است. برای مثال برای روحیه بخشیدن و شاد کردن سیل زدگان شهرم شیراز یک ریال هم دریافت نکردم اما از طرف دیگر برای یکی از آخرین اجراهایم ۲۵ میلیون تومان دریافت کردم. به بیان بهتر، اجراهایم از رایگان تا سقف ۲۵ میلیون تومان است.

سلفی با چغاله بادام

ماهی صفت، نقبی هم به عکس العمل مردم در مواجهه با او در مکان های عمومی می زند و تعریف می کند: مردم هنرمندانشان را دوست دارند، می خواهند با آن ها گپ بزنند و شوخی کنند. من اصلا دوست ندارم در مکان های عمومی یا در زمان اجرا ارتباطم با مردم قطع شود، به خاطر ماهیت شغل ما، مردم تمایل بیشتری به ارتباط گرفتن و گپ و گفت دارند.
وی ادامه می دهد: خاطرم هست یک بار در مکان عمومی آقایی با یک پلاستیک چغاله بادام کنارم آمد و گفت: آقای ماهی صفت یک سلفی با من و چغاله بادام هایم می گیری؟ من هم با کمال میل قبول کردم. چندوقت پیش هم در مشهد با خانم و آقایی مشغول صحبت شدیم که خانم به رنگ ست ساعتم و کت و شلوارم واکنش نشان داد که اتفاقا ساعتم با رنگ شال آن خانم یکی بود و فورا ساعتم را باز کردم و به آن خانم هدیه دادم.
وی ادامه می دهد: اما آن خاطره ای که هنوز با مرورش اشک شوق می ریزم مربوط به یک اجرا در زندان بوکان است. یکی از مسئولان زندان به عنوان تشکر یک سکه به من هدیه داد که قبول نکردم و درخواست کردم با این سکه یک نفر را آزاد کنند. ۱۰ سال گذشت و در سفر دیگری که به سیرجان داشتم، ناگهان یک پاکبان زحمتکش من را در خیابان در آغوش کشید و گفت: آقای ماهی صفت من همانی هستم که با سکه شما آزاد شدم. او در پایان تاکید می کند: مثبت نگر باشیم. بنده آرزو می کنم که روحیه مثبت و تولید شادی در کشورم رونق بگیرد.

یادداشت

مهناز ملانظری

رئیس دانشگاه الزهرا(س)

ضرورت ایجاد دانشگاه کارآفرین با هدف حل معضل بیکاری دانش آموختگان

دانشگاه ها یکی از مهم ترین مراکز تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص کشور هستند و تربیت چنین نیروهایی برای رشد و توسعه صنعتی کشور ضروری است. انتظارات جدید از دانشگاه ها ایجاب می کند این مراکز علمی بیش از پیش در مسیر توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور گام بردارند. تحقق این خواسته از طریق تحول دانشگاه سنتی به دانشگاه کارآفرین امکان پذیر است. بنابراین دانشگاه ها تنها در شرایطی که علاوه بر آموزش مطالب تئوری بر کاربردی کردن آموخته های دانشجویان تاکید کنند، می توانند نقش عمده ای در فرایند توسعه کشور ایفا کنند. به همین دلیل، تمامی کشورها در حال تلاش برای دگردیسی و تبدیل کردن دانشگاه ها به دانشگاه کارآفرین هستند. وجود فرهنگ حمایت از نوآوری ها و پذیرش ایده های نو از عواملی هستند که می توانند تاثیر به سزایی در شکل گیری دانشگاه کارآفرین داشته باشند.
در واقع دانشگاه کارآفرین مجموعه ای است که می تواند علاوه بر آموزش مطالب تئوری و نظری، اطلاعات و مهارت های شغلی رشته تحصیلی مد نظر را به دانشجویان ارائه بدهد، واقعیات بازار کار و خط مشی های شغلی جامعه را به طور واضح و روشن به آنان بشناساند، دانشجویان را در شناختن استعدادها، رغبت ها و محدودیت هایشان یاری کند و با برگزاری کارگاه های شغلی، مهارت های آنان را برای شکار شغل در آینده عملا افزایش دهد. در واقع جامعه و صنعت باید دانش بنیان باشند تا دانشگاه کارآفرین شکل گیرد.
در مقابل تا زمانی که صنایع ما به خارج از مرزها وابسته باشند و به عبارتی چشم صنعت به دانشگاه نباشد، مشکلات و مسائل بیشتر خواهد شد. بنابراین جدی ترین چالش، تمرکز بر تولید در داخل و تلاش دانشگاه ها برای رفع نیازهای صنعت است. این روزها بسیار مطرح می شود که چرا دانشگاه ها جواب گوی صنعت و جامعه نیستند ولی بهتر است این سوال به این شکل تغییر کند و از جامعه پرسیده شود که چرا از دانشگاه ها درخواستی ندارند؟
نکته قابل توجه آن است که بحث کارآفرینی در دانشگاه ها تاکنون بیشتر بر جنبه آموزش و ترویج این مفهوم تاکید داشته است. این در حالی است که ایجاد دانشگاه کارآفرین به معنای واقعی در دو بعد سخت افزاری و نرم افزاری نیازمند مطالعات پژوهشی زیادی است. انتظار این است که اولا این موضوع جدی گرفته شود و صرفا مشابه بسیاری موضوعات دیگر بر اساس مد روز عبارت های ناکارآمد در این خصوص استفاده نشود بلکه با اعتقاد به این ضرورت، برای شرایط کنونی جامعه و ایجاد اشتغال زایی و تولید، حمایت کنند که این مفهوم به درستی شکل بگیرد. البته وظیفه ما دانشگاهیان است که با تولیدات پژوهشی با کیفیت، دقیق و تمرکز بر نیازهای اصلی کشور زمینه ساز حرکت به سوی دانشگاه کارآفرین باشیم. مسئولان نیز صنایع را دریابند تا بتوانیم با یک حرکت جهادی در این برهه نیز موفق و پیروز باشیم.
نکته حائز اهمیت آن است که با توجه به جمعیت دانشجویی دختران که بیش از ۵۰ درصد جامعه دانشجویی را تشکیل می دهند و حضور چشمگیر این قشر در فضای کسب و کار، قطعا اگر جامعه دانش محور و دانش بنیان باشد، زنان جدی ترین عامل صنعت هستند که باید در این حوزه فعال باشند. بنابراین این قشر می توانند سهم عمده ای در ساختن دانشگاه کارآفرین داشته باشند. از این رو دانشگاه الزهرا(س) یک فرصت بسیار خوب برای زنان توانمند و فرهیخته است که بتوانند نقش کارآفرینانه در جامعه ایفا کنند. فرهیخته دانشگاهی می تواند متناسب با رشته تحصیلی خود در کارآفرینی و شکل دهی دانشگاه کارآفرینی نقش موثر داشته باشند.
ناگفته نماند به منظور شکل گیری دانشگاه کارآفرین باید راهکارهایی همچون کارآفرینانه کردن دروس و محتوای آموزشی بر اساس تفکر کارآفرینی، ترویج تفکر کارآفرینی با تاکید بر ضرورت آموزش های کارآفرینی، برگزاری دوره ها و کارگاه های آموزشی کارآفرینی، هم سو کردن آموزش های دانشگاهی با نیازهای اقتصادی و اجتماعی، انجام تحقیقات در خصوص کارآفرینی و کارآفرینان، حمایت های علمی و مالی برای انجام فعالیت های کارآفرینانه توسط دانشجویان، ایجاد مراکز رشد کارآفرینی از جمله حمایت های مشاوره ای، گسترش مهارت های فردی و برگزاری دوره های کارآموزی در دستور کار قرار گیرد.
در پایان باید گفت، دانشگاه برای کارآفرین بودن باید استقلال عمل زیادی در رابطه اش با دولت و صنعت و در عین حال تعامل زیادی نیز با آن ها داشته باشد. در واقع دانشگاه کارآفرین، زاده تعاملات چند وجهی میان بخش های مختلف دانشگاه، صنعت و دولت است. ایجاد و توسعه دانشگاه کارآفرین به عنوان نمود عینی ارتباط صنعت و دانشگاه، افق های نوینی برای ترویج فرهنگ کارآفرینی و حل معضل اشتغال دانش آموختگان پیش روی سیاست گذاران و مسئولان ذی ربط قرار می دهد. بر این اساس پیشنهاد می شود همکاری متقابل بین موسسات صنعتی-اجرایی کشور با دانشگاه ها استحکام و استمرار بیشتری پیدا کند. حال امید است که با پیگیری های جدی پیشنهادهای فوق توسط مسئولان اجرایی و دانشگاهی کشور رابطه بین صنعت و دانشگاه عملا جایگاه خود را پیدا کند و شاهد پیشرفت ها و همکاری های بیشتری بین بخش های صنعتی و اجرایی دانشگاه ها باشیم.

حکایت

دزدی به گدایی گفت: شرم نمی کنی که برای به دست آوردن اندکی پول به سوی هر کس و ناکسی دست دراز می کنی؟
گدا پاسخ داد:
دست دراز از پی یک حبه سیم
به که ببرند به دانگی و نیم (۱)

۱. دست گدایی دراز کردن برای یک دانه بهتر از آن است که آن دست را به خاطر دزدی چیزی به اندازه بهای یک دانگ و نیم قطع کنند.

حکایت های گلستان سعدی به قلم روان

دیالوگ

هیچ دردی نیست
که درمون
نداشته باشه،
جز «بی کسی»...!

نرگس- کارگردان: رخشان بنی اعتماد

بریده کتاب

*در مرحله ای از زندگی آدم ها، هر چیزی روشن و امکان پذیر است. آن ها نه از خیالبافی و نه از آرزوی کارهایی که می خواهند در زندگی شان رخ دهد، هراسی ندارند. اما با گذشت زمان، نیرویی مرموز آن ها را متقاعد می کند که دسترسی به افسانه شخصی شان غیرممکن است.
*هر کس که باشی یا هر کاری که انجام دهی وقتی واقعاً از صمیم قلب چیزی را بخواهی، آن گاه این خواسته تو از روح جهان سرچشمه می گیرد و تو مأمور انجام آن روی زمین می شوی.
*انسان ها از دنبال کردن مهم ترین رویاهایشان می ترسند چون احساس می کنند لیاقتِ رسیدن به آن ها را ندارند یا این که قادر نیستند به آن ها برسند!

کتاب «کیمیاگر» - نویسنده: پائولو کوئلیو